تندیس «نی‌لبک‌زن»: پیوند اسطوره، رقص و سکوت در آثار بهمن محصص

نویسنده: گروه تحریریه هم‌داستان

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



تندیس برنزی «نی‌لبک‌زن» از بهمن محصص، بازنمایی هنری یک کهن‌الگو در اسطوره‌های یونانی و رومی است؛ موجودی نیمه‌انسان و نیمه‌بز که در فرهنگ یونانی با نام «ساتیر» و در اسطوره‌های رومی با عنوان «فان» شناخته می‌شود. این موجودات اسطوره‌ای که اغلب شاخدار و رقصان تصویر می‌شوند، از دیرباز سوژه هنرمندان کلاسیک و مدرن بوده‌اند؛ از نقاشی‌های روبنس و پوسن تا فیگورهای خیال‌انگیز پیکاسو. بهمن محصص نیز با ارجاعی خلاقانه به این اسطوره، پیکره‌ای معاصر خلق کرده که هم‌زمان ریشه در تاریخ دارد و از بیان امروزین برخوردار است.

پیکره عضلانی و پیچ‌خورده مرد نی‌لبک‌زن، با ساق‌ها و ساعدهایی که به ظرافت به نوک ختم می‌شوند، در حال رقص و حرکت در فضاست. او بر یک پا ایستاده، در حالی که گویی تعادل‌اش را با اراده‌ای درونی و نه قانون جاذبه حفظ

می‌کند. این تعلیق در فضا، بخشی از زبان بصری محصص است که در بسیاری از مجسمه‌هایش نیز تکرار می‌شود؛ تلاش برای نمایش بی‌وزنی، آزادی و گریز از بند. مجسمه یادآور تنش دراماتیکی است که از اسطوره به امروز منتقل شده؛ از رقصی آئینی تا نمایشی از بی‌قراری انسان مدرن.

در این اثر، همانند دیگر آثار محصص، توجه به شمایل‌های انسانی‌حیوانی، به‌مثابه کهن‌الگوهای ناخودآگاه جمعی، بسیار مشهود است. محصص همانند پیکاسو، به اسطوره‌ها بازمی‌گردد نه برای تکرار گذشته، بلکه برای بازآفرینی آن‌ها در جهانی معاصر، تلخ و پوچ. از این منظر، **مجسمه نه تنها بازنمایی یک افسانه باستانی است، بلکه بیانیه‌ای وجودی درباره تنهایی، جسم، و موسیقی در جهانی بی‌سامان نیز هست.**



پرنده، از نقش‌مایه‌های تکرارشونده در آثار محصص، در این تندیس نیز حضوری کلیدی دارد. از اولین طراحی‌های او تا نقاشی‌ها و مجسمه‌هایش، پرندگان برای محصص نمادی از اصالت، مهاجرت، غرور و تنهایی بوده‌اند. اما این پرندگان، برخلاف تصویر ذهنی رایج، پرواز نمی‌کنند. بال دارند اما بسته، گردن افراشته دارند اما میخکوب‌اند. در این‌جا نیز،

مسیر نگاه پرنده به افقی دوردست دوخته شده، اما جسم‌اش همچنان به پایه‌ای نامرئی متصل است. این پرندگان، همان‌گونه که نیما یوشیج در شعرش توصیف می‌کند، بیشتر شبیه مجسمه‌اند تا موجوداتی زنده؛ پرنده‌هایی که دیگر آواز نمی‌خوانند، بلکه در سکوتِ خود پیام می‌فرستند.

بهمن محصص، که سال‌ها در اروپا زیست و کار کرد، هنرمندی بود چندوجهی؛ نقاش، مجسمه‌ساز، مترجم، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر. او از نخستین هنرمندان ایرانی بود که نقاشی را به شیوه آکادمیک غربی آموخت و آن را با نگاه و تجربه ایرانی درآمیخت. آثار او نشان از درگیری عمیق با اسطوره، روان، سیاست، و تن انسان دارند. شخصیت‌های بی‌سر یا با سرهای کوچک و بدن‌های فربه، بدن‌های درگیر، و فضایی از زخم و سکوت، از ویژگی‌های آثار او هستند.

ترجمه آثار نویسندگانی چون لوئیجی پیراندلو، اوژن یونسکو و ژان ژنه، و همچنین کارگردانی نمایش‌نامه‌هایی با رویکرد آوانگارد، بخشی از تلاش محصص برای ایجاد پیوند میان هنرهای مختلف بود. او در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۵۰ شمسی، از هنرمندان فعال عرصه هنر مدرن ایران محسوب می‌شد. برخی آثارش همچون تندیس «نی‌نواز» که برای تئاتر شهر تهران ساخته شده بود، پس از انقلاب اسلامی از میان رفتند یا به انبارهای موزه هنرهای معاصر منتقل شدند.

مجسمه «نی‌لبک‌زن» حاصل تمامی آن دغدغه‌هاست: تنش میان جسم و روح، صدا و سکوت، پرواز و سکون، اسطوره و معاصریت. این اثر، همچون خود محصص، در تعلیق میان فرهنگ ایرانی و اروپایی، میان خلاقیت و تراژدی، میان آزادی و شکست، ایستاده است.

او سرانجام در ششم مرداد ۱۳۸۹، در سن ۷۹ سالگی در رم درگذشت؛ بی‌آن‌که شاهد گشایش دوباره آثارش در ایران باشد. اما صدای نی‌لبک‌زن او، هنوز از پس این سکوت سنگین، شنیده می‌شود.

منابع:

مجله اثرهنری، «معرفی و آثار بهمن محصص»، مجله هنری، خبری، تحلیلی مجموعه اثرهنری.
مستند چشمی که می‌شنود، کارگردان: رکسانا مصلحی، محصول سال ۲۰۱۰، درباره زندگی بهمن محصص.
مصاحبه‌ها و نوشته‌های جوزپه سلواجی درباره بهمن محصص، منتقد ایتالیایی.
اشعار نیما یوشیج، از جمله شعر «نه چشم‌ها گشاده از او...»
تحلیل‌های هنری آثار بهمن محصص، برگرفته از منابع پژوهشی هنر مدرن ایران و نقدهای هنری (از جمله منابع کتابخانه‌ای دانشگاه تهران، مدرسه هنرهای زیبا و مقالات منتشرشده در فصلنامه‌های هنری).
حافظه تاریخی و روایات شفاهی هنرمندان و مجموعه‌داران معاصر ایران.